

تکلیف ما در قبال فتنه سلبریتی‌ها

چند سال پیش بود که در چند مطلب مجزا از خطر تغییر مرجعیت فکری و عملی جامعه به سمت جماعت سلبریتی و طراحی دشمنان برای به میدان آوردن لشکر زان برای مقابله با ارزش‌های فرهنگی واجتماعی جامعه نکاتی به مسئولان گوشزد شد. اثبات آن گزاره‌ها به دلیل تحلیلی بودنشان برای مسئولانی که صرفاً به موقف و حادث‌شده‌ها باور دارند، آسان نبود چون آن ایام مثل امروز نبود که همه آن گزاره‌ها اتفاق افتاده‌اند؛ چه اینکه به قول اهل منطق مهم‌ترین دلیل درستی یک مدعا، وقوع آن است. نقش آفرینی سلبریتی‌ها در اغتشاشات برای به میدان آوردن لشکر زنان اگرچه با شکستی متفصاحانه روپور و شد، اما علاج این مرض تکلیفی است که همچنان بر گردن مسئولان مسنگینی می کند. این یک حقیقت تلخ است که سلبریتی‌ها در قالب همین فرهنگ و در دامن همین مسئولان و با همین بودجه‌های فرهنگی رشد کرده‌اند؛ چهره‌هایی که هر قدر پولدارتر شدند، بیشتر بر صورت فرهنگ ایرانی چنگ انداختند.

کسانی که به صد کنکوری فرزندان اپنار گران شبهات فلسفی، دینی و عرفانی می گرفتند و به اسم عدم‌عبایت عدالت اجتماعی آن را تطبیح می کردند و حاضر نبودند که حتی مانند کارگران کارمندان مالیات درآمدهای نجومی‌شان را بپردازند و هر نوع رانت دولتی و خصوصی را حق خود می خواندند؛ جلوتر از دشمنان این ملت و حتی تندتر و بیبر حمله‌تر از آنها فرمان آتش زدن و کشتن و

برحانه کردن مخالفان‌شان را استوری کردند.

حالا که فتنه زنانه شیاطین و سلبریتی‌های بی درد فروکش کرده‌است و بسیاری از کسانی که بر اثر او‌هام مجازی نقاب از چهره برداشتنند، خود واقعی و اصلی‌شان را نشان دادند، باید آنها را در مقابل قانون پاسخگو کرد و بساط ویژه‌خواری این افراد از بیت‌المال و رشد کردن به لطف جمهوری اسلامی و چنگ انداختن به صورت انقلاب اسلامی را برای همیشه مسدود کرد. اگر مسئولان متنبه شدجباید با تصویب قوانینی بدون لکت اولامعایفت‌های خاص و ویژه این جماعت برداشته و حذف شود. هر چند که این جماعت برای گرفتن اقامت و گرین کارت‌شان حاضرند به ملت و کشور‌شان پشت بیازنند، اما باید همانند دیگر کشور‌های دنیا بخصوص کشور‌های اروپایی و آمریکایی که به سلبریتی‌ها اجازه دخالت در سیاست و دیگر عوامل و ساحت‌هایی را که در آن تخصصی ندارند، بر اساس قانون نمی دهند و برای تخطی از آن قوانین، جریمه‌های سنگین مالی و زندان تعریف کرده‌اند، قوانینی تدوین شود که مصداق گزیده‌شدن دوباره از یک سوراخ بنایشیم. اگر برای فعالیت‌های مجازی و حقیقی این کارآگاه دانه تأثیر گذاری مشخصی در جامعه دارند، به دور از هر گونه جنجال و هياهو قوانین بازدارنده و روشنی ایجاد شود قطعاً کسانی که تنها هنر‌شان «کت واک» و روی فرش قرمز جشنواره و پوشیدن لباس‌های عجیب و غریب یا ایفای نقش یک کارآکت خیالی است، به خودشان اجازه نمی دهند که در صفحات‌شان از سیاست خارجی تا تخصصی‌ترین مباحث دینی و پیچیده‌ترین موضوعات اکادمیک را مطرح کنند. مطمئناً اگر چنین تدبیری از قبل اندیشیده شده‌بود، دیگر شاهد نبودیم کسانی مثل آن زن بازیگری که با استناد به یکی از اصول موهوم قانون اساسی خیالی‌اش مدعی دخالت ار تش و نیروهای نظامی به نفع اغتشاشاگران شده‌بود، به خودش جسارت استوری کردن چنین موهوماتی بدهد و خیالش آسوده نبود که می تواند هم در حاکمیتی تر بن فیلم‌های سینمایی بازی و هم برای حمایت اغتشاشگران پست‌های جاهلانه و مبتذل منتشر کند.

دیدهبان

ثبت‌نام رایگان در کتابخانه‌ها همزمان با هفته کتاب

مدیر امور کتابخانه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران از ثبت‌نام رایگان کتابخانه‌ها همزمان با هفته کتاب خبر داد.
عباس باباخانیان، مدیر امور کتابخانه‌های شهرداری تهران گفت: کتابخوانی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران گفت:

۷۰ برنامه که کتابخانه‌ها به‌صورت محله‌ای اجرا می کنند، برای هفته کتاب برنامه‌ریزی شده ضمن اینکه ثبت‌نام رایگان کتابخانه‌هایی از برنامه‌های این سازمان همزمان با هفته کتاب است. وی افزود: پوشش کتاب در گردش و فضاسازی کتابخانه‌ها، اهدای کتاب به مناطق کم‌برخوردار و روستایی، ثبت‌نام رایگان کتابخانه‌ها وبخودگی جدید دید کرد کتاب و همچنین برنامه «کتابدار شو» نیز از دیگر برنامه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران همزمان با هفته کتاب است. سی‌امین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «ماهمانیم که می‌خوانیم» از ۲۱ آبان‌ماه آغاز شده و تا ۲۷ آبان‌ماه ۱۴۰۱ ادامه دارد.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: محمدجواد اخوان
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
نطاق میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط‌عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ: ه‌مشهری
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۶۲۲ | یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱ | ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۸ | اذان مغرب: ۱۷:۱۷ | ۱۷م‌شبه‌بشرعی: ۲۰۰۶ | اذان صبح: ۵:۱۲ | طلوع آفتاب: ۶:۳۹ |

از پرورش مجری پولکی تا تربیت مجری فرهنگی

سرنوشت مجری‌هایی که در جریان حوادث اخیر دچار حاشیه شدند احتمالاً در تغییر نگرش و راهبرد صداوسیما برای تربیت مجریان جدید اثر گذار خواهد بود



محمدصادق عابدینی

هیاهوی خداحافظی برخی از مجریان صداوسیما در اولین روزهای تا آرامی‌های اخیر و ورود چند مجری جدید به عرصه اجرا، بار دیگر نشان داد صداوسیما از حيث داشتن مجری حرفه‌ای در وضعیت مطلوبی نیست. افرادی که جایگاه فعالیت در رسانه فراگیر صداوسیما را نمی‌دانند و به بهانه‌های آماده‌یجاد حاشیه و کنار گذاشتن همه تعهدات حرفه‌ای خود نسبت به صداوسیما هستند، نشان می‌دهند رسانه ملی نتوانسته مجریانی وفادار تربیت کند. حال شاهد ورود افرادی برای اجرای برنامه‌ها هستیم که سر رشته و سابقه‌ای از اجرا ندارند و صرفاً با موجهی که ایجاد شده به صحنه اجرا رسیده‌اند. اگر

صداوسیما در آموزش و تربیت مجری حرفه‌ای که درک درستی از فرهنگ و جامعه‌داشت، موفق عمل کرده‌بود، قطعاً کار به اینجا نمی‌رسید، اما می‌ضرب‌المثل قدیمی است که می‌گوید جلوی

ضرر را از هر جا که بگیري سوداست.
دنیای‌اجرای تلویزیونی مانند هر فعالیت حرفه‌ای یک زمان شروع و یک زمان پایان دارد، حتی مشهورترین مجریان تلویزیونی در سراسر جهان هم یک‌روز از اجرای تلویزیسون خداحافظی کرده‌اند و این‌گونه نیست که اگر یک مجری به هر دلیلی خواست‌از فعالیت در شغل اجرا بگویندی

تلویزیون جدا شود، این مسئله به یک ضایعه بزرگ تبدیل شود؛ با این حال در روزهای اخیر اعلام جدایی چندمجری از صداوسیما، حواشی به وجود آورده‌است، حتی اینکهونه‌الفاشده که دست صداوسیما برای داشتن مجری خوب انقدر مجری است که چهره‌های غیر مرتبط را به عنوان مجری وارد بر نامه‌های خود کرده‌است.

آموزش مهم‌تر از هر شرط دیگر!
آکادمی اجرا، یک مجموعه آموزش مجری در انگلیس است که در آن دوره‌های آموزش اجرا تلویزیونی و رادیویی بر گزار می‌شود. این آکادمی مجریان شبکه‌های مختلفی از جمله بی‌بی‌سی را آموزش داده‌است. آکادمی اجرا برای کسانی که می‌توانند یک مجری خوب شوند، ۱۰ توانایی را بر شمرده‌است. توانایی‌ها مانند اعتماد به نفس، جذابیت، ارتباط خوب با مخاطب و شنونده خوب بودن، اما پس از تشریح ۱۰ شرطی که یک

حکمت

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف:

بدان که میان خدای متعال و بندگانش، خویشی و قرابتی نیست و کسی که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه پسر نوح است.

کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ۲ ج، ص ۴۸۴

می‌شوند تا به آنتن برسند و هر هفته به خاطر گفتن یک جمله یا نگفتن آن توبیح می‌شوند، می‌بینیم یک آدمی را از کف خیابان می‌آورند و به او اجرامی دهند، کسی که نمی‌داند روی چه خطوط قرمزی حرکت می‌کند، روی آنتن می‌رود و بر نامه اجرامی‌کند. شاید تفکر صداوسیما این باشد که برای جذب مخاطب باید دنبال استعدادهای جوان باشد، اما این روش کار درست مانند آن است که یک ایرباس را به دست یک جوان بدهیم بگوییم پرواز کن تا استعدادیابی کنیم، مشخص است که هواپیما را با کله به زمین خواهد زد. بهتر بود این استعدادیابی‌ها در فضای غیر علنی انجام شود و بعد از مشخص شدن صلاحیت اجرا، توبیخ‌اند به تلویزیون بیایند.»

اتفاقات روزهای اخیر نشان داد هشدار‌های قبلی درباره لزوم وجود گوینده‌های حرفه‌ای و متمدد بسیار جدی بوده و متأسفانه صداوسیما آن را جدی نگرفته‌است.

در روزهایی که برخی از چهره‌های اجرا که اغلب به دور از چرخه علمی و آموزش حرفه‌ای وارد گردونه اجرای تلویزیونی شده‌اند، صداوسیما را ترک کرده‌اند و صداوسیما سراغ افرادی برای اجرای تلویزیونی رفته‌است که از همه قواعد اجرا صرفاً «اعتماد به نفس» آن را دارند! آنچه لطمه می‌خورد، جایگزینی رسانه ملی است.

هر کسی می‌تواند مجری شود؛ اما به یک شرط!

کاترین ولف، برنامه‌ساز سابقه تلویزیون دولتی بی‌بی‌سی، کتابی دارد به نام «پس می‌خواهی مجری شوی؟» در این کتاب او نقل قول‌های زیادی از مجری‌های موفق تلویزیون آورده‌است که نشان دهد آموزش چندمی می‌تواند به پیشرفت یک مجری کمک کند. یکی از این نقل قول‌ها در این کتاب به این شرح است که «اچرا تو نه؟ مجری‌ها فقط انسان هستند، آنها در همه اشکال و اندازه‌ها، تنوع بی‌نهایت رنگ، سن، شرایط فیزیکی هستند. هر مجری بالقوه با مجموعه‌ای از تجربیات، مهارت و دانش، سلیقه‌ها، علایق و اهداف خود منحصر به فرد است. اینها برخی از افرادی هستند که در ارائه کار‌گاه‌ها یا آنها بر خورد کرد؛ دانشجو، فارغ‌التحصیل، مدیر کالج، سرمایه‌گذار دارایی، مشاور، مدیر مسئول پذیرش، مهماندار هواپیما، منشی بازنشسته، مدیر خردفروشی، بانکدار، پیشخدمت و بازیگر» اما همه این افراد ابتدا آموزش دیده‌اند و بعد مجری تلویزیون شده‌اند. با این حال، چرا فقط در تلویزیون ما سلبریتی‌ها و بازیگرها به جایگاه سینما می‌توانند سریع‌تر از سایرین به بخش تخصصی اجرا برسند؟

صداوسیما به‌احتمال می‌تواند از میان علاقه‌مندان به اجرای تلویزیونی استعداد‌های خوبی را کشف کند؛ آموزش دهد؛ و فرقی کمتر مسئله حرفه‌ای‌گری، به آنها اخلاق حرفه‌ای و لزوم تعهد به رسانه را آموزش دهد تا با وقوع هر ناامی اجتماعی با کش‌های بی‌مورد خود در فضای مجازی بر التلهات نیزآیند؛ مجری‌هایی که به در آمد رسانه ملی اکتفا کنند و بیرون از سازمان در هر مراسمی برای درآمد بیشتر خود خارج‌کنند.

نما | حسین کشتکار



نمایش خانگی

«آفتاب پرست» فقط سلیقه مخاطب را تنزل می‌دهد

کمدی‌سازی سطحی از سینما به سر‌بال‌های شبکه خانگی هم سرایت کرده و آثاری مانند آفتاب پرست جز تنزل سلیقه مخاطب کار کرد دیگری ندارند



پس از پخش سه قسمت از سریال آفتاب پرست در همین ستون نوشتیم که این سریال متکی به پژمان جمشیدی است، و گرنه حرفی برای گفتن ندارد، اما حالا بعد از پایان سریال نکات ضعف دیگری هم به آن وارد است. آفتاب پرست صرفاً برای بر کردن وقت مخاطب ساخته شده، به‌طوری‌که کارگردان برای ساخت سریالش آذ رنگ جمشیدی را داشته و بار اصلی روی دوش این دو بازیگر است، اما بازی جمشیدی نمی‌تواند برای مخاطب جذابیت ویژه‌ای داشته باشد، انگار کارگردان به جمشیدی گفته مثل همیشه بازی کن و تمامی واکنش‌های کلامی و موقعیتی او مربوط به سریال زرخیراکی است، حتی نوع لحن و حرص خوردنش در دیالوگ‌گویی‌سارا را به یاد نقش‌های گذشته‌اش می‌اندازد. جالب است که جمشیدی موقعیتی او را در سریال‌های گذشته‌اش به معنای عدم استعداد کافی در بازی او است. اضافه کنید که ایجاد موقعیت‌های اشتباهی قرار بگیرد هم با دیالوگ‌های مبتدیان‌ه است که مخاطب نمی‌تواند با آن همراه شود. از رویک فضای سریال را مخدوش کرده است. مخاطب دیگر اشتیاقی به شنیدن دیالوگ‌های جنسی ندارد، اما در آفتاب پرست سعی شده موقعیت‌فارغ از چار چوب و استاندارد‌های خاص در دیالوگ‌هایی‌که اکثر آنها بداهه به نظر می‌رسد خلاصه شود. اینکه یک کاراکتر در موقعیت‌های اشتباهی قرار بگیرد هم به شدت مسخوخ شده است. نمونه‌های بهتری در قالب فیلم و سریال ساخته شده، حتی وجود منوچ و جمال هم با دیالوگ‌های پینگ‌پنگی جواب نداده و انگار قرار بوده آفتاب پرست کمدی بز و بکوب باشد، اما قالب سریال اساساً به هجو کشیده شده است.

در کمدی هم باید منطق روایی وجود داشته باشد، اما آفتاب پرست در مسیری اشتباه قدم برداشته است. کمدی موقعیت و کلاهی قطعاً متن منسجم می‌خواهد، اما احساس می‌شود که فیلمنامه‌ای در کار نیست و همه چیز تحت یک طرح چندخطی جلو می‌رود و همه چیز سرر حینه شکل گرفته، به همین جهت زوج منوچ و جمال جز اینکه دیالوگ بگویند و نگاه‌های بی‌بزه در زبان

روایت خالق «پرانگرد» از چالش‌های بازتاب دادن ایران زیبا

قارایی: می‌خواهم فضای سیاه‌نما و تاریک رسانه‌ها علیه ایران را با حقیقت روشن کنم

می‌گفتند جهانگرد دشو، اما ایران جهانی کشف نشده بود



هویت ایرانی خود‌عشق پیدا کنند و هم از آن مراقبت کنند.

این مستندساز در ادامه با اشاره به اینکه قطعاً مخاطب مستند ایرانگرد داخلی و ایرانی است، اما طرح‌هایی هم برای مخاطب خارجی و غیرایرانی در نظر داریم، ادامه می‌دهد: برخی که من پیشنهاد می‌داند حالا که فصل‌های مختلف ایرانگرد ساخته شده، جهانگرد شوم، اما همانطور که مرحوم اپناتلو می‌گفتند، ایران جهانی در درون یک مرز است. فکر می‌کنم هنوز هم خیلی جای کار داریم. مثلاً ۴۳ سال است در خصوص موضوع ایران هر‌اسی هیچ قدمی برداشته‌ایم یا اگر قدمی برداشته‌ایم، کوچک و بی‌اثر بوده است. قارایی با طرح این سؤال که مگر می‌شود ملتی را که ۱۰ هزار سال قدمت تاریخ، فرهنگ و تمدن دارد تحت عنوان ملت ترویت به جهان معرفی کرد، می‌افزاید: یکی برای معرفی ایران توسط جهانگردان

تلویزیون

خارجی در دست داریم. این افراد با سفر به ایران در یک ماجرای جذاب قرار می‌گیرند و آن را با مخاطبان خود در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند. یک کشور و جریان ایران‌شناسی توسط سفیران حقیقی در جهان از این طریق رخ می‌دهد، همانطور که در ایرانگرد تلاش شد جریان ایران‌شناسی به راه بیفتد.

این طبیعت‌گسرد و مستندساز در مورد فصل جدید این مجموعه خاطر‌نشان می‌کند: فصل ششم ایرانگرد قرار است تولید شود و در گفت‌وگو با مدیر شبکه یک سیما‌ایشان از تولید فصل جدید مجموعه مستند ایرانگرد استقبال کردند پیش‌تولید کار هنوز بشریفی نداشت‌و منتظر جلسه‌باورد شبکه هستیم؛ اما خیلی از استان‌هایی که تاکنون در خصوص آنها قسمتی ساخته‌نشده در فصل جدید معرفی خواهند شد. وی با اشاره به طرح «پرانگرد کوچک» که برای معرفی ایران به کودکان سراسر کشور طراحی شده است، تأکید می‌کند: تا این لحظه باوجود ارائه برای مدیر سابق و فعلی شبکه کودک که نتیجه‌ای نرسیده‌ایم، دوست دارم فرزندان امروز ما آیدنگانی باشند که عرق‌ملی‌دارند، هویت‌ملی‌شان را می‌شناسند، به آن احترام می‌گذارند و به آن افتخار می‌کنند. کارگردان و تهیه‌کننده مجموعه مستند ایرانگرد در پایان اظهار می‌دارد: کار رهگذر «سفر به سرزمین تمدن‌ها»، توسط افرادی‌که ایرانی و مسلمان نیستند و عرقی هم به ایران ندارند، حقیقت در مورد مردم، تاریخ و فرهنگ ایران روشن می‌شود و در اثر یک روایت بی‌طرفانه نگاه‌ها به ایران عوض خواهد شد. در کارنامه کاری‌ام در تلاش فضای پراز سیاهی، تاریکی و غرواقعی درباره ایران در رسانه‌ها با واقعیت و حقیقت روشن ش‌ود.